

تأثیرات فرهنگی، تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور

محمدحسین ریاحی

بدون شك یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی و نیز سرزمین‌هایی که به تصرف سپاه مسلمین درآمد در زمینه‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی، وجود مساجد بود. علی‌رغم اینکه مساجد معمولاً در منظر عام به عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی قلمداد شده و می‌شود، اما از تأثیر شگرف این مکان‌های عبادی در توسعه آموزش و فرهنگ نمی‌توان به راحتی گذشت. تا زمانی که مدارس به طور رسمی در دنیای اسلام موجودیت نیافته بود، بار امور علمی و آموزشی به دوش مساجد بود. از همان ابتدا آموزش و تعلیم با مسجد مرتبط بود و مدارس در حقیقت، از مساجد انشعاب یافته بودند؛ چرا که تعلیم و تربیت در دهه‌های اول تاریخ صدر اسلام معمولاً ارتباط با فرامین دینی بود و مسلمانان نیازمند آشنایی با معانی و مفاهیم مذهبی بودند و طبیعتاً برای فراگیری آن‌ها راهی

مساجد می‌شدند. بر طبق منابع و متون تاریخی، روشن است که نخستین مراکز تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش، قرآن کریم بوده است؛ یعنی حفظ و درك مطالب قرآن، نقطه شروع بود و پس از آن فراگیری و مطالعه اخبار و احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌مطرح گردید. به نوشته استاد *جلال‌الدین همایی*، «در ابتدا مراکز تعلیم و محل درس مسلمانان مساجد بود. حوزه‌ها و حلقه‌های درس در جوامع و مساجد تشکیل می‌شد. احياناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که پاره‌ای از آن‌ها کتابخانه‌های عظیم نیز داشتند»^۱.

از همان روزهای آغاز نهضت اسلامی بسیاری از امور با مساجد مرتبط بودند؛ امور داورى، قضاوت، حل و فصل دعاوى، مسائل مهم و اساسی اجتماعی، مشورت و طرح جنگ، پذیرش وفود، اعزام نماینده به نقاط دیگر، اجتماعات عمومی، پرستاری بیماران و مجروحان، و اعلام وظایف حکومتی در مسجد صورت می‌گرفت. به هر کجا که اسلام گام می‌نهاد، چه مسلمانان آن را فتح می‌کردند یا می‌ساختند، به زودی و بی‌درنگ مسجدی ساخته می‌شد.^۲

دیدگاه عظیم اسلام و بینشی که این تعالیم آسمانی ارائه کرد، موجب بالا رفتن سطح اجتماع از جهات مختلف از جمله مسایل فرهنگی گردید. به نوشته *السیاعی* «اسلام امور دینی و دنیوی را با هم ارتباط می‌دهد و آن‌ها را با عقاید و افکار روشن و دقیق بیان می‌دارد و مسجد که مرکز عبادت و نیایش است، در طول تاریخ، مرکز زندگانی اجتماعی تمام مسلمانان نیز بوده است. بدین ترتیب، مسجد در چهارچوب حوزه خود

^۱ . تاریخ علوم اسلامی، ص ۲۶ .

^۲ . ر.ك: تاریخ آموزش در اسلام، ص ۹۰ .

علاوه بر محل نیایش بودن، محل تجمع مردم، پناهگاه مسافران، محل توزیع غذا برای فقرا و وظیفه آموزش را نیز بر عهده داشته است».^۲

رویداد دیگری که بر وجود فعالیت علمی مسجد و تشکیل حلقه‌های درس در عصر نبوت دلالت دارد این است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روزی وارد مسجد شد و دید که از جمع حضار دو حلقه تشکیل شده است؛ يك حلقه به ذکر و عبادت مشغول و آن یکی به تعلم و تعلیم سرگرم و چون نيك نگرست فرمود: هر دو گروه کردار نيك دارند، اما من برای تعلیم فرستاده شده‌ام: «کلاهما علی خیر ولکن بالتعلیم ارسلت». و خود آن حضرت در حلقه‌ای که سخن از تعلم و تعلیم بود نشست.^۳

مؤلف کتاب *تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام* نیز با اعتقاد بر اینکه اولین و مهم‌ترین کانون‌های علمی و تربیتی مسلمانان در قرون اولیه هجری مساجد بوده‌اند آورده است: این مکان در جهت محافظت و دفاع از اصول و قواعد دینی و به‌طور کلی در زبان و فرهنگ عامه و در سال‌های بعد در تعلیمات عالی اسلامی رکن و اساس بوده و تأثیری عمیق و خدمتی بسزا نموده است. در مکتب‌خانه‌ها تعلیمات مقدماتی، یعنی خواندن و نوشتن و حساب ساده و اندکی شعر و تاریخ و قرآن و حدیث به صورت بسیط و ساده آموزش داده می‌شد و این برنامه ارتباط تعلیمات اسلامی را از مسجد تا مؤسسات تعلیمات عالیه تأمین می‌کرد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از هجرت به شهر مدینه ساختمان مسجد قبا را در آنجا آغاز نمود که اولین

^۳ . ر. ک: نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۹ .

^۴ . خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۳۷ .

مسجد اسلامی است. هنگام ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه مسجدی در محلی به نام «مرید» دایر گردیده بود و گفته می‌شود که حضرت در همین محل به طرفداران خود مسایل دینی و دنیوی را تعلیم کرده است. پس ملاحظه می‌گردد که از همان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله عبادتگاه‌های اسلامی مراکز تربیتی نیز بوده است. در واقع، مساجد جای مناسب برای تعلیم علوم دینی هستند. با فتوحات و توسعه جهان اسلام، مساجد با سرعت زیادی در تمام مناطق بنا گردید و رو به فزونی نهاد. به مناطق مختلف عربستان که اسلام را می‌پذیرفتند جهت تعلیم قرآن از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله افرادی اعزام می‌گردید. مناطق و اشخاصی که این مأموریت‌ها را انجام داده‌اند معلوم و محقق است. کار تعلیم قرآن و مسایل دینی که زمان آغاز آنها از حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه، مکه، طائف، صنعا، و بحرین بوده است در زمان خلفای راشدین نیز در سطح وسیع‌تری ادامه یافت و در بصره، کوفه، حمص، شام، فسطاط و شهرهای سرزمین‌های فتح شده تعلیم مشابه صورت پذیرفت، به طوری که خلیفه دوم در انتصاب و اعزام والی برای بصره، کوفه، سوریه و مصر از آنان خواست که در محل مأموریت خود مسجد بنا نمایند.⁵

علاوه بر تشویق‌های مکرر پیامبر صلی الله علیه و آله به آموزش و تعلیم و تربیت، که مساجد را به عنوان کانون‌های ارزشمند علمی و فرهنگی درآورده بود، امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام نیز با خطبه‌ها و بیانات شیوا و آموزنده خود در مساجد همچون مسجد کوفه مردم را آموزش و تعلیم می‌داد. مسلماً در زمان ائمه معصومین علیهم السلام نیز به‌ویژه در دوران حیات امام باقر علیه السلام

⁵ . ر. ک: تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، صص ۱۲۹ و ۱۳۰ .

و امام صادق علیه السلام که آموزش و تعلیمات به اوج شکوه رسید مساجد نیز به عنوان اصلی‌ترین پایگاه‌های معنوی و آموزشی به حساب می‌آمدند. مراکز علمی و آموزشی شیعه در عصر اختناق حکام اموی و عباسی، خانه‌های ائمه و پیشوایان مذهب و یا مساجد بود. از آن به بعد مدفن امامان و اهل بیت علیهم السلام از جمله شهرهای کاظمین و سامرا در عراق و شهرهای قم و مشهد در ایران مرکز تجمع علمای شیعه و از حوزه‌های پررونق علوم اسلامی و معارف شیعی در دنیای اسلام شد.^۶

بنای مساجد که از ابتدای اسلام آغاز شده بود، با گذشت زمان شمار آن‌ها فزونی می‌یافت و طبیعتاً با گسترش این کانون‌های عبادی علوم و آموزش نیز توسعه پیدا می‌کرد. بنا به اظهار یعقوبی، در قرن سوم هجری در شهر بغداد سی هزار مسجد وجود داشته است.^۷

در مصر فزونی و گستردگی اگر به اندازه عراق و حجاز نبود لکن این مراکز عبادی از حیث آموزشی هم قابل توجه بوده است. *ابن جبیر* سیاح معروف (متوفی ۶۱۴ هـ ق) در باره مساجد اسکندریه آورده است: این شهر افزون‌تر از هر شهر دیگر خدا، مسجد دارد، تا بدان جا که تخمین مردم درباره تعداد مساجد آن متفاوت است؛ برخی بیشتر و برخی کمتر گویند، آن که بیش گوید تخمینش به دوازده هزار باب مساجد می‌رسد و آنان که کم گویند متفاوتند: پاره‌ای گویند هشت هزار باب است و پاره‌ای رقمی جز این گویند و به هر حال، مسجدهای آن شهر بسیار و افزون از شمار است، چنان که چهار یا پنج مسجد در يك جا دیده می‌شود و چه بسا چند مسجد ترکیب شده و مجموعه‌ای تشکیل داده

^۶ . ر. ک: تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۹ .

^۷ . البلدان، ص ۹ .

باشد. تمام این مساجد را پیشنهادکنندگان از جانب سلطان شهریه دارند.^۸ با این حساب اگر هر يك از مساجد را مکانی برای تعلیم و تربیت بدانیم از وسعت فعالیت‌های تعلیماتی دچار شکفتی خواهیم شد.

با بررسی نقش مساجد در آموزش و تعلیم و تربیت در اسلام متوجه می‌شویم که تقریباً در همه مناطق جهان اسلام، به‌ویژه غرب اسلامی نیز این تأثیر محسوس بوده است، به طوری که این مسئله در اندلس هم مصداق داشته است. مسلمانان اسپانیا امور مربوط به تعلیم و تربیت را در مساجد انجام می‌دادند. مقری مؤرخ مشهور اندلسی می‌نویسد: مردم اندلس مدارس مستقل ندارند که بتوانند در کسب دانش آنان را یاری نمایند. آنان با پرداخت اجرت شاخه‌های علوم را در مساجد یاد می‌گیرند. این مؤرخ همچنین از کار تدریس خود در جامع قرطبه، نخله و زاهره سخن می‌گوید.^۹

معمولاً در مساجد جایگاه‌هایی برای تدریس وجود داشت، از جمله قسمتی به نام صفه در مسجد مدینه یا حتی در برخی مساجد ایران مانند مسجد جامع اصفهان که در آن قسمت فعالیت‌های آموزشی محسوس بود. در قسمتی از مسجد مدینه ایوانی سرپوشیده به نام صفه بنا شد. در روز استادانی که به این منظور انتخاب شده بودند، به شاگردان آموزش می‌دادند و شاگردان شب در آنجا می‌خوابیدند. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بزرگان صحابه آن حضرت و پس از ایشان تابعین در این مسجد به تدریس و تعلیم می‌پرداختند. یکی از مدرسان معروف مسجدالنبی عبداللّه بن سعید بن عاص بود.

^۸ . سفرنامه ابن جبیر، ص ۷۴ .

^۹ . ر. ک: تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۲۱ .

وی اولین معلمی بود که در این مسجد به آموزش خط پرداخت. وی در دوره جاهلیت از کاتبان معروف عرب بود که به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور آموزش هنر، خطاطی و آموزش قرآن شد. با این همه تدریس و بحث در زمینه مسایل دینی و علمی، حتی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز منحصر و محدود به این مسجد نبود. در مدینه مساجد کوچکتر و محدودتری وجود داشت که فعالیت آموزشی می کردند.^{۱۰}

از اواخر دهه دوم هجری با افزایش چشمگیر دامنه فتوحات مسلمانان، مرزهای اسلام از سوی شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیری به آیین اسلام گرویدند که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلام در سرزمین‌های فتح شده آغاز گردید و آن دسته از اصحاب پیامبر و تابعین ایشان که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را بر حضور در صحنه‌های پیکار ترجیح می دادند، در مساجد نوینیا به آموزش پرداختند. این مساجد ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره و مداین بنیاد گردید. در عصر خلفای راشدین و پس از آن در دوره حکومت امویان، مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت در مراکز بلاد اسلامی ساخته شد. در این مساجد علاوه بر مسایل دینی و سیاسی، مسایل علمی نیز مطرح می شد و حلقه‌های درس، که شرکت در آن برای هر جوینده دانش ممکن بود، تشکیل می گردید. بسیاری از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعین ایشان و نیز پیشوایان مذاهب در این دانشگاه‌های عمومی اسلامی به تعلیم مبانی دین و نشر مذهب خود پرداختند.

مسجدالحرام مکه، مسجدالنبی در مدینه، دو جامع بصره و کوفه، جامع ری، جامع عمرو در فسطاط مصر، مسجدالاقصی و قبهالصخره در بیتالمقدس، جامع اموی دمشق، جامع زیتونه در تونس و جامع قیروان در مراکش از مراکز مشهور آموزش اسلامی در این دوره بوده است.^{۱۱} در بین شهرهای ایران بزرگ، مساجد برخی شهرها در عرصه تمدن اسلامی و در امور آموزش فعال و پرثمر بوده‌اند؛ از جمله می‌توان به جامع سیستان، مسجد جامع ری، مسجد عتیق شیراز، مسجد جامع اصفهان، و برخی مساجد بخارا، نیشابور، مرو، هرات و تبریز اشاره نمود. در اینجا مناسب است از نقش آموزشی و تربیتی دو شهر مهم تاریخی ایران یعنی اصفهان و نیشابور یاد شود. از جمله مساجد اصفهان که در موضوع فرهنگ و تعلیم و تربیت در سده‌های متمادی نقش فعال داشته‌اند می‌توان از مسجد جامع کبیر (عتیق)، جامع صغیر (جورجیر) و جامع عباسی یاد نمود که خوشبختانه هنوز این مسجد بر جای مانده است، اما در مورد نیشابور از جامع عتیق، مسجد جامع منیعی و مسجد عقیل باید یاد نمود که متأسفانه این مساجد اکنون پابرجا نیستند.

الف . مساجد اصفهان

۱ . مسجد جامع کبیر (عتیق)

به نوشته ابونعیم اصفهانی در صد و اندی پس از هجرت، ایوب بن زیاد به‌عنوان عامل خراج و سعید بن منصور حمیدی به عنوان امیر جنگ از سوی منصور خلیفه عباسی، به اصفهان گسیل شدند. پس از برکناری سعید

بن منصور، ایوب بن زیاد که مسئولیت جمع‌آوری مالیات و امور جنگ را با هم عهده‌دار شده بود، در قریه خشینان منزل گزید و کاخی بر کرانه رودخانه فرسان و در جوار آن مسجدی دارای مقصوره بنا نهاد و در آنجا منبری قرار داد. وی همچنین برای تجار و کسبه و کارگران طرح بازاری انداخت که در جنب یهودیه در مکانی معروف به صفالتبانین (بازار کاه‌فروشان) ساخته شد. در روزگار ولایت ایوب بن زیاد خانه‌های یهودیه به خانه‌های قریه خشینان متصل شد. پس از برکناری ایوب، اعراب قبیله یتم که ساکن قریه طهران در حومه اصفهان بودند، مسجد جامع بزرگی در یهودیه بنا کردند و در ۱۵۶ هـ ق منبر مسجد ایوب بن زیاد را بدانجا انتقال دادند.^{۱۲} یهودیه پس از بنای مسجد جامع از طرف صحرا گسترده شد و پانزده ده به آن اضافه گردید. با وسعت یافتن یهودیه، مردم به توسعه مسجد پرداخته، بر آن اضافاتی نمودند که از جمله آن‌ها زمین‌های معروف به خصیب‌آباد بود که خصیب بن سلم به مسجد اضافه کرد. در ۲۲۶ هـ ق در زمان خلافت معتصم عباسی و امارت یحیی بن عبدالله بن مالک خزاعی، مسجد جامع تجدید بنا شد و مساحت آن با اضافاتی که از زمین‌ها و خانه‌ها به آن ضمیمه گردید، افزوده شد.^{۱۳}

در قرون اولیه اسلامی نیز این مسجد علاوه بر نقش عبادی، از حیث آموزشی هم قابل توجه بود، به‌گونه‌ای که مافروخی در کتاب *محاسن اصفهان* در باب اهمیت جامع این شهر آورده است: برای اقامه هر نماز

¹² . ر. ک: *ذکراخبار اصفهان*، ج ۱، صص ۳۵ و ۳۷؛ و نیز ر. ک: *ترجمه ذکراخبار اصفهان*، صص ۱۲۹ و ۱۳۰ .

¹³ . *ترجمه ذکراخبار اصفهان*، صص ۱۳۰ و ۱۳۱ .

کمتر از پنج هزار در آنجا گرد نمی‌آمد و در کنار هر جرزی مسند شیخی بود که گروهی از طالبان علم دور او را گرفته بودند و به تحصیل علم یا تهذیب نفس اشتغال داشتند. آراستگی این بنا به واسطه مناظره فقها و مباحثه علما و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است، در آنجا صوفیان و علما و کسانی دیده می‌شوند که به حال عبادت در مسجد اقامت گزیده و با تسبیح و دعا زندگی را می‌گذرانند.^{۱۴}

یکی از مراکز مهم علمی و مکان‌های حضور علما و دانشمندان در عصر آل‌بویه همین مسجد بوده است، به طوری که افرادی مانند صاحب‌بن‌عباد (متوفی ۲۸۵ هـ ق) و یا ابوالعباس ضبی (متوفی ۳۹۸ هـ ق) در این مسجد سرمایه‌گذاری قابل توجهی نموده‌اند؛ از جمله اینکه مرحوم همایی بر این اعتقاد است که کتاب‌های بسیاری از صاحب، که دارای کتابخانه شخصی بزرگ و ارزشمندی بوده به این جامع منتقل شده است. مکان این دارالکتاب در سمت شمال مسجد و احتمالاً جنب یکی از درهای ورودی آن بوده، و غنای این کتابخانه تا حدی بوده که نسخه‌های مورد احتیاج همه اهل علم در زمینه‌های دینی، ادبی، حکمت، فلسفه و سایر دانش‌ها را تأمین می‌کرده است.^{۱۵}

آنچه که از منابع تاریخی به دست می‌آید این که با توجه به مراتب علمی و معنوی صاحب بن‌عباد، وی به تدریس و تعلیم شاگردان در مسجد جامع اشتغال داشته است و ایوان جنوبی مسجد هنوز به نام صفا صاحب معروف است و معلوم می‌شود صاحب اسماعیل بن‌عباد در بنایی که سابقاً در محل این ایوان سلجوقی وجود داشته به تدریس می‌پرداخته،

14 . ر. ک: ترجمه محاسن اصفهان، ص ۶۲ .

15 . ر. ک: مقاله «هفدهمین سال آتش‌سوزی جامع اصفهان»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۳، ص ۶۳؛ جلوه‌های هنر در اصفهان، ص ۲۲۸ .

ولی در هر صورت با توجه به تحولات ساختمانی و تغییر و تبدیل‌هایی که به عمل آمده اکنون نمی‌توان سبک ساختمان ایوان صاحب را به‌درستی تمام تعیین نمود.^{۱۶}

در همین دوره (آلبویه) نیز مسجد جامع عتیق اصفهان شاهد رفت و آمد علما و دانشمندان فرق و مذاهب اسلامی و گفتگو و مباحث آنان بود که گاهی مسایلی نیز در پی داشت؛ از جمله در رابطه با عالم معروف حافظ ابونعیم اصفهانی نقل شده است: از روزگار ابوعبدالله منده (متوفی ۳۹۵ هـ ق) تا سال‌ها پس از درگذشت او، ابونعیم از ورود به مسجد جامع اصفهان و تشکیل درس و وعظ ممنوع بود. در این اثنا در سال ۴۲۱ هـ ق مسعود غزنوی به اصفهان تاخت و کشتارها کرد. از قضا روزی را که بسیاری از مردم به مسجد جامع رفتند و مانع ورود ابونعیم به آنجا شدند، سپاهیان مسعود به مسجد یورش بردند و هر که را در آن یافتند کشتند. بدین سان، ابونعیم از مرگ حتمی ایمن ماند. برخی نویسندگان این رویه را حمل بر مستجاب‌الدعوه و صاحب‌کرامت بودن ابونعیم کردند.^{۱۷}

با توجه به دگرگونی‌هایی که در این جامع کبیر در عصر سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی (متوفی ۴۸۵ هـ ق) به‌وجود آمد، این مسجد شکوهی خاص یافت. با توجه به تتبعات محققان معماری اسلامی، مسجد جامع اصفهان که در قرن اول هجری و به سبک موسوم به عربی بنا شده بود، در دوره سلاجقه دچار دگرگونی اساسی شده

16 . ر. ک: گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۳ .

17 . ترجمه ذکر اخبار اصفهان، ص ۳۰ .

و به صورت مسجدی چهارایوانه درآمد.^{۱۸} یکی از مهم‌ترین آثار بر جای مانده عهد ملک‌شاه در اصفهان، گنبد خواجه نظام‌الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان است که بر کتیبه آن نام پادشاه و خلیفه وقت و نیز خواجه نظام‌الملک حک شده و ظاهراً در سال ۴۷۳ ه ق به پایان رسیده است. اثر دیگر گنبد تاج‌الملک در شمال مسجد جامع می‌باشد. این گنبد از آثار آخرین وزیر ملک‌شاه ابوالغنایم تاج‌الملک مورخ به سال ۴۸۱ ه ق است که معماری آن از نظر باستان‌شناسان دنیا اعجاب‌انگیز است.^{۱۹} این آثار از جلوه‌های برجسته هنر سلجوقی محسوب می‌شوند که با گذشت نزدیک به هزار سال، همچنان عظمت خاصی به این جامع بخشیده‌اند. در همین دوره نیز نقش آموزشی و تربیتی مسجد جامع اصفهان ملموس و قابل ملاحظه است. به ویژه اینکه در کنار تدریس و تحصیل، کتابخانه بزرگی جهت طالبان علم وجود داشت. عظمت این دارالکتاب به حدی بود که نویسنده *محاسن اصفهان* پس از بیان موقعیت جامع اصفهان، کتابخانه آن را این‌گونه توصیف می‌کند: در آنجا کتاب‌ها را چیده و فنونی از دانش بدان جاویدان ساخته‌اند. تفاسیر و غرائب حدیث و مؤلفات در نحو و فقه و تفسیر و ابنیه حرف می‌باشد و نیز در آن از دیوان‌ها و اشعار برگزیده و اخبار و گزیده‌ای از تاریخ پیغمبران و خلفا و کارنامه پادشاهان و امیران موجود است و مجموعه‌هایی از علوم اوایل از منطق، ریاضی، طبیعی، الهی و غیر از آن خبرهایی نیز که جویای فضل و ممیز دانش و نادانی بدان‌ها احتیاج پیدا می‌کنند همه وجود

18 . آثار ایران، ج ۴، ص ۴۶ .

19 . آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۵۲ .

دارد.^{۲۰}

اما این کتابخانه بزرگ و مهم که نقش عمده‌ای در توسعه تعلیمات و امور آموزشی در این مسجد و یا مجامع دیگر داشت و دارالکتاب مهم جامع در قلب امپراتوری سلجوقی به حساب می‌آمد، در سال ۵۱۵ ه ق، یعنی حدود سی سال پس از قتل خواجه نظام‌الملک و درگذشت ملک‌شاه، مورد دستبرد، غارت و حریق قرار گرفت. این‌اثیر با بیان حریق شبانه مسجد جامع اصفهان توسط باطنیان، که از دشمنان حاکمیت سلجوقی بودند، آن مسجد را بزرگ‌ترین جامع‌ها و با شکوه‌ترین مساجد در دنیای اسلام قلمداد کرده است.^{۲۱} در آتش‌سوزی سال ۵۱۵ ه ق مسجد جامع عتیق اصفهان، توابع مسجد، یعنی مضاف‌ها، مخزن‌ها و کتابخانه طعمه حریق گردید.^{۲۲}

مرحوم استاد محمد محیط طباطبایی ضمن اظهار اینکه در آن دوران علوم دینی، ادبی و فلسفی در اصفهان رونقی بسزا داشته است، می‌نویسد: کتابخانه جامع شهر را ساخته و پرداخته بودند تا نیازمندی‌های استادان و شاگردانی که پای هر ستونی از ستون‌های متعدد آن مسجد حلقه درس و بحث داشتند پاسخ بدهد.^{۲۳}

به هر حال، در آتش‌سوزی سال ۵۱۵ ه ق نه تنها کتابخانه نفیس مسجد جامع یا دارالکتاب مهم شهر بکلی نابود شد، بلکه بنای مسجد جامع نیز صدمات بسیاری دید.

20 . ر. ک: ترجمه محاسن اصفهان، ص ۶۳ .

21 . الکامل، ج ۶ ، ص ۵۷۶ .

22 . گنجینه آثار، ص ۷۹ .

23 . جلوه‌های هنر، ص ۲۲۸ .

از دوران سلجوقی تا زمان صفویه نیز کم و بیش جنب و جوش‌های علمی و فرهنگی در این مسجد کهنسال وجود داشته است و از جمله الحاقاتی که در جامع عتیق اصفهان صورت گرفته و تحت عنوان مدرسه هم بوده است مربوط به دوران آل مظفر است. بنای ساختمان معروف به مدرسه مظفری در مجاورت ایوان شرقی و در خارج از محدوده مسجد عباسی در امتداد دیوار قدیمی آن بود. این بنا به استناد کتیبه‌های آن در زمان حکومت قطب‌الدین شاه محمود فرمانروای اصفهان بین سال‌های ۷۵۷ و ۷۷۶ بنا گردید.^{۲۴} مدرسه مظفری به ابعاد ۶۵×۲۵ متر شامل صحن بزرگ مستطیلی شکلی است که در قسمت جنوبی آن به ترتیب يك ایوان وسیع و سپس يك تالار بر محور شرقی - غربی که محرابی در آن جای دارد، قرار گرفته است. قسمت شمالی صحن مدرسه نیز وضعیت مشابهی داشته است. ساختمان مدرسه مظفری در پشت ایوان شرقی از طریق سه درگاه که به ترتیب در شاه‌نشین و در دو اتاق جانبی قدیمی در انتهای این ایوان تعبیه شده با آن مرتبط گردید، و این سه فضا به عنوان راهرو مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در دوران بعدی هنگامی که سه فضای مذکور از طرف ایوان مسدود شدند، از آنها به عنوان انبار وسایل یا اتاق سرایدار آن استفاده می‌شد. عاقبت این سه فضا از طرف مدرسه نیز مسدود و متروک گردیدند.^{۲۵}

با توجه به این مطالب می‌توان حدس زد که در قرن ششم و نهم هجری نیز با وجود ایجاد مدرسه مظفری، رونق این مسجد چشمگیر بوده است.

²⁴ . ر. ک: گنجینه آثار، صص ۱۳۶ - ۱۴۶ .

²⁵ . ر. ک: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، صص ۲۰۹ - ۲۱۰ .

اما در عصر صفوی هم، چه پیش از پایتختی اصفهان و چه پس از آن، مسجد جامع در توسعه امور علمی و فرهنگی شهر اصفهان نقش مؤثری داشته است. این نهاد عبادی، آموزشی محل اجتماع دانش‌پژوهان بوده است و عده‌ای از علما و دانشمندان آن دوره در آنجا درس، بحث و وعظ و خطابه داشته‌اند؛ از جمله شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی در این مسجد منصب تدریس و خطابه داشته است. وی که قریب صد سال عمر نمود، از شیخ عبدالعالی محقق کرکی (متوفی ۹۴۰ ه ق) روایت کرده و جمعی از دانشمندان نیز از وی روایت کرده‌اند که نامورترین آنان عالم جلیل‌القدر محمدتقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰-۱۰۸۰ ه ق) است. ملا محمدتقی مجلسی و فرزندش علامه ملا محمدباقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ ه ق) به این مسجد از جهت علمی رونق ویژه‌ای بخشیدند.^{۲۶}

مجالس تدریس مجلسی اول نیز در این مسجد برپا می‌شد و ملا محمدباقر نیز پس از فوت پدر در این مکان تدریس کرده و به جای او اقامه جماعت می‌نموده است. محل درس مجلسی دوم در چهل‌ستون مسجد در زاویه جنوب غربی قرار داشته و هنوز مردم اصفهان از خاص و عام، آن قسمت از مسجد را مدرس مجلسی می‌گویند.^{۲۷}

بیشتر مطالعات و فعالیت‌های علمی علامه محمد باقر مجلسی در زمینه حدیث و فقه بوده است، به گونه‌ای که مباحثه و مذاکره علوم فقه و حدیث را برتمام مشاغل دیگر خود مقدم می‌دانسته است. وی همچنین در این مسجد نماز جمعه برپا می‌داشته است.

²⁶ . ر. ک: تذکره‌القبور، ص ۲۲۱ .

²⁷ . علامه مجلسی، ص ۲۱ .

مجلسی دوم در خطبه‌های نماز جمعه و شب‌های ماه مبارک
رمضان در این مسجد ساعت‌ها مردم را موعظه می‌کرده است، چنان‌که
وعظ او و ترغیب مردم به عبادت و اطاعت خداوند، پس از وی نظیر پیدا
نکرده است.^{۲۸}

عالم محقق و محدث گرانمایه سید نعمت‌الله جزایری، که از
شاگردان ملا محمدباقر مجلسی است، نوشته است: و به خاطر دارم در دهه
هزار و هفتاد هجری روز جمعه در مسجد جامع منبر بود و انواع علوم و
مواعظ را برای حاضران بیان می‌فرمود.^{۲۹}

تلاش علمی مجلسی و تدریس و تعلیم او زمان نمی‌شناخت؛
چه در هوای گرم و یا حتی زمستان‌ها به مسجد جامع عتیق رونق خاصی
بخشیده بود، به طوری که در ایام زمستان نیز که هوا سرد بود،
روزهای آفتابی در صفا درویش که روزگاری جد مادری‌اش
(درویش محمد) در آنجا حدیث تدریس می‌فرموده، و در مواقع برف
و باران در شبستان چراغی معروف به حلنبی تدریس می‌کرده است.^{۳۰}
شاید یکی دیگر از علل جنب و جوش فوق‌العاده علمی این جامع
در عصر ملا محمدتقی و ملا محمدباقر مجلسی، نزدیکی منازل آن‌ها
به جامع اصفهان بوده است. این خانه تا حدود سی سال پیش باقی مانده
بود، اما متأسفانه در حال حاضر عمده آن خراب شده و فقط قسمتی از آن
بر جای مانده است.

28 . همان، ص ۲۰۲ .

29 . *روضات الجنات*، ج ۲، ص ۲۷۸ .

30 . *زندگینامه علامه مجلسی*، ج ۱، ص ۱۸۵ .

خانه‌های برخی دیگر از علمای وابسته به خاندان مجلسی نیز در حوالی مسجد جامع بوده است؛ منزل میرزا علاءالدین گلستانه (برادر عیال علامه مجلسی) در آخرین کوچه و خانه میر محمد صالح خاتون‌آبادی در اواسط این کوچه و منزل سید حسنعلی خواهرزاده علامه ملامحمدباقر مجلسی به شرح وصیت‌نامه او در جنب مسجد در قسمت شمالی مقبره علامه مجلسی بوده است.³¹

البته در دوران صفوی علمای نامور دیگری نیز در این مسجد اقامه نماز نموده و تدریس کرده‌اند، به طوری که شاه‌عباس دوم (سلطنت ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ه ق) ملامحسن فیض کاشانی را که در کاشان اقامت داشت به اصفهان دعوت نمود و امامت مسجد جامع اصفهان را به او واگذار نمود و خود نیز در نماز جماعت به او اقتدا کرد.³² با توجه به توانایی فوق‌العاده فیض کاشانی در علوم اسلامی، می‌توان وجود او را در این مسجد باعث برکات فوق‌العاده علمی و معنوی در آن زمان تلقی نمود.

۲ . مسجد جامع صغیر (جورجیر)

یکی از مساجد مهم و مؤثر در امور فرهنگی و آموزشی در قرون اولیه اسلامی، مسجدی است که آن را جورجیر نیز نامیده‌اند و مافروخی از مسجد جامع صغیر معروف به جورجیر در برابر مسجد جامع کبیر (عتیق) یاد می‌کند. برخی را بر این اعتقاد است که چون این مسجد در محله رنگرزان واقع شده بود، به جامع رنگرزان نیز مشهور بوده و توسط

³¹ . علامه مجلسی، ص ۴۶۶ .

³² . روضة الصفای ناصری، ج ۸ ، ص ۵۸۵ .

صاحب بن عباد ملقب به کافی‌الکفات در قرن چهارم بنا شده است. اما با توجه به سخنرانی‌ها و گفتارهای شیخ ابومسعود صوفی رازی (متوفی ۲۵۸ ه ق) عالم معروف اهل سنت در قرن سوم در این مسجد، که در برخی تذکره‌ها یاد شده، می‌توان بنای این مسجد را مربوط به قبل از دولت آل‌بویه دانست.^{۳۳}

مسجد جامع جورجیر کوچک‌تر ولی زیباتر از جامع کبیر بنا نهاده شده بود و بیشترین شکوه آن به ویژه از حیث رونق آموزشی و علمی در زمان بویه عیان بوده است. مؤلف *محاسن اصفهان* از جنب و جوش علمی این مسجد و امکانات آن یاد کرده و این مکان را مشتمل بر شبستان‌ها و خانقاه‌ها، کتابخانه، مدارس برای فقها و مجالسی برای ادبا و محل‌هایی برای شاعران، صوفیان و قاریان قرآن دانسته است.^{۳۴} از مزایای این جامع بر جامع عتیق این بوده که خاک رسی که از آن جامع جورجیر ساخته شده بود، محکم‌تر از خاک جامع عتیق بوده و منار آن یکصد ذراع ارتفاع داشته و ساختمان‌های آن محکم و مرتفع بوده است. جامع جورجیر یا رنگرزان بر اثر مرور زمان ویران گردید. حکیم داود هندی بر روی آن مسجد معروف به حکیم یا تقرب خان را در زمان شاه عباس دوم صفوی بنا کرد. از جامع جورجیر فقط سردری باقی است که در سال ۱۳۳۵ شمسی از زیر خاک بیرون آمده است.^{۳۵} شخصیت‌هایی در این مکان آمد و شد داشته و یا منسوب به این مسجد یا محله بوده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ابوعبدالله محمد بن

³³ . ر. ک: خلدبرین، صص ۱۹۱ - ۱۹۵؛ *فضائل امام علی علیه السلام*، صص ۱۷ - ۱۸ .

³⁴ . ر. ک: ترجمه *محاسن اصفهان*، صص ۶۲ - ۶۴ .

³⁵ . همان و نیز ر. ک: *آثار ملی اصفهان*، ص ۱۵۱ .

یوسف بن معدان جورجیری (متوفی ۱۸۴ ه ق)، محمد بن حسن جورجیری،
ابو جعفر محمد بن عمر بن حفص جورجیری (متوفی ۳۳۰ ه ق)،
و ابوالقاسم طاهر بن محمد بن احمد عکلی جورجیری (متوفی ۴۳۹ ه ق)
یاد نمود که از مبرزین محدثان، راویان و علمای زمان خود بوده‌اند.^{۳۶}
تغییرات ایجاد شده توسط طیب شاه عباس دوم، یعنی حکیم داود
هندی قابل توجه بود و به نظر می‌رسد این تحولات عمده در مسجد
به سال ۱۰۷۳ به پایان رسیده باشد. با توجه به رونق علمی عصر صفوی در
اصفهان احتمال می‌رود از برخی مدرسه‌ها و حجره‌های آن برای آموزش
مسائل علمی به‌ویژه دانش‌های شیعه امامیه استفاده شده باشد،
به طوری که در عصر قاجار و دوران فتحعلی شاه و محمدشاه نیز علمای
معروف شیعه مانند علامه ملا محمدابراهیم کلباسی (متوفی ۱۲۶۱ ه ق)
در آنجا حضور داشته و اکنون بقعه این عالم ربانی مقابل در شرقی جامع
جورجیر یا مسجد حکیم واقع شده است. حکیم متآله و عارف وارسته
حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب (متوفی ۱۳۵۵ ش) سال‌ها
در این مسجد تدریس و تعلیم داشته است.^{۳۷}

۲ . مسجد جامع عباسی

این نهاد عبادی یکی از مهم‌ترین بناهای عصر صفویه است که در گذشته
به نام‌های مسجد شاه، مسجد سلطانی جدید و جامع عباسی شهرت داشته
و امروزه به مسجد امام معروف است و از آن در کتب تاریخی مشهور
عهد صفوی مانند *عالم‌آرای عباسی و وقایع السنین و الاعوام* همه جا

³⁶ . آثار ملی اصفهان، صص ۱۵۱ و ۱۵۲ .

³⁷ . ر. ک: مجموعه ارباب معرفت، ص ۵۷ .

به نام مسجد جامع عباسی و مسجد جامع جدید عباسی (سلطانی) یاد شده است.^{۳۸}

این بنا در ضلع جنوبی میدان نقش جهان (میدان امام خمینی) واقع گردیده، و از نظر ویژگی‌های معماری، تزیینات غنی و آثار نفیس دیگر از برجسته‌ترین آثار معماری ایران و تمدن اسلامی است. ساخت این مسجد در سال ۱۰۲۰ ه ق به دستور و هزینه شاه عباس اول و معماری استاد علی‌اکبر اصفهانی آغاز گردید و کارهای تزیینی آن تا بعد از مرگ شاه عباس اول (۱۰۳۸ ه ق) همچنان ادامه یافته است.^{۳۹} در این مسجد عظیم دو مرکز علمی یا نهاد آموزشی قرار دارد که جزء مسجد به‌شمار می‌روند. در عین حال، به آن‌ها مدارس واقع در مسجد جامع عباسی گفته می‌شود که عبارتند از:

۱. **مدرسه سلیمانیه:** در گوشه جنوب غربی مسجد، مدرسه‌ای واقع شده است که به وسیله دو مدخل بزرگ به صحن مسجد و سه مدخل بزرگ دیگر به محوطه زیر گنبد غربی مسجد متصل می‌شود و سلیمانیه نام دارد. سر در این مدرسه به سمت کوچه پشت مسجد دارای کتیبه‌ای از اولین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی است. این کتیبه که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده، به قلم محمدرضا امامی مورخ به سال ۱۰۷۸ ه ق است.^{۴۰} به همین علت است که آن را سلیمانیه نامیده‌اند. این نهاد آموزشی قرینه مدرسه عباسی (ناصریه) است و حجره‌ای ندارد و اطراف آن غرفه‌هایی که در داخل و خارج آن با

38 . وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۰۷؛ عالم‌آرای عباسی، ج ۲، ص ۱۶۷۷.

39 . ر. ک: گنجینه آثار، ص ۴۳۷.

40 . همان، ص ۴۵۷.

کاشی‌های هفت رنگ تزیین شده قرار گرفته است.^{۴۱} در این مدرسه، قطعه سنگ ساده‌ای به شکل شاخص در محل معینی تعبیه شده است که ظهر حقیقی اصفهان را در چهار فصل نشان می‌دهد و چنان که می‌گویند، محاسبه آن را شیخ بهایی دانشمند، فقیه و ریاضی‌دان معروف عهد شاه عباس انجام داده است. سطح فوقانی این شاخص به شکل مثلث قائم‌الزاویه است که وتر مثلث در جهت طرفی است که ظهر را تعیین می‌کند. یک ضلع مجاور زاویه قائمه متصل به دیوار و ضلع دیگر نماینده قبله مسجد است.^{۴۲}

مدرسه سلیمانیه همچون اکثر مدارس عهد صفوی اختصاص به آموزش‌های مذهب شیعه اثنی‌عشریه داشته است. از جمله علمای عصر صفوی که از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی بوده و در این نهاد آموزشی به تحصیل مشغول بوده است، مولانا جمشید کسکری است.^{۴۳}

۲. مدرسه عباسی (ناصریه): در گوشه جنوب شرقی مسجد مدرسه عباسی قرار دارد و به مناسبت اینکه در عصر ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ ه ق) در آن تعمیراتی به عمل آمده، مدرسه ناصری نیز نام گرفته است، وگرنه بنای اولیه آن مربوط به اواخر دوره شاه عباس اول است.^{۴۴}

آنچه مسلم است به موجب کتیبه‌های تاریخ‌داری که بر جای مانده، تزیینات کاشی‌کاری و کتیبه‌های آن از دوره شاه عباس دوم

41 . گنجینه آثار، ص ۴۵۴ .

42 . آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۸۰ .

43 . علامه مجلسی، ص ۳۳۸ .

44 . تاریخ مدارس ایران، ص ۲۶۷ .

می‌باشد.^{۴۵}

چند حجره در ضلع شرقی این مدرسه برای سکونت طلاب ساخته شده و این برخلاف مدرسه قرینه آن یعنی سلیمانیه است که در آن حجره‌ای وجود ندارد. ایوان جنوبی مدرسه عباسی دارای الواح و کتیبه‌هایی است که بر آن صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده و به خط محمدرضا امامی به سال ۱۰۷۷ ه ق است.^{۴۶} کتیبه داخل محراب در این مدرسه که به دوره شاه سلیمان صفوی مربوط می‌شود، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ و به قلم محسن امامی در سال ۱۰۹۵ ه ق است. این مدرسه که در عهد شاه عباس اول به‌منظور تعلیمات مذهب شیعه امامیه، به ویژه تعلیم حدیث و فقه، تأسیس شده بود در دوره قاجاریه نیز به خاطر نزدیکی به منازل علمای خاندان نجفی معروف به مسجد شاهی دارای رونق خاصی بوده است.^{۴۷} برخی حجره‌های این مدرسه در دست تعدادی از طلاب سالخورده بوده و کمتر مورد استفاده علمی قرار گرفته است.

ب . مساجد نیشابور

در شهر تاریخی نیشابور از اوایل قرون هجری تا قرن ششم و یا حتی پیش از حملات ویرانگر اقوام بیابانگرد مغول، مساجدی فعال و متعدد وجود داشته‌اند که از جمله می‌توان به مسجد جامع منیعی، مسجد جامع عتیق، مسجد خان الفرس، مسجد خبازی، مسجد الصرافین (اصفهان)،

45 . گنجینه آثار، ص ۴۵۴ .

46 . همان .

47 . ر. ک: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۳۰۴ .

مسجد عقیل و مسجد نوقانی اشاره نمود. با بررسی تاریخ نیشابور، به نقش این مساجد علاوه بر يك پایگاه عبادی و معنوی پی می‌بریم. در اینجا به سه مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. مسجد عتیق یا مسجد جامع نیشابور

این بنا که در حال حاضر هیچ اثری از آن در دست نیست، توسط ابومسلم خراسانی ساخته شده و تاریخ‌نگاران بسیاری از این جامع یاد کرده‌اند. براساس این نوشته‌ها، جامع بسیار بزرگی بوده که در سی هزار متر زمین با هزار ستون ساخته شده و در میانه سرا دارای حوض و یخچال بوده است. همچنین در آن بنای کوچک‌تری با دوازده ستون و پایه بوده که شش ستون آن، مرمری، دو ستون آن چوبی و چهار تای دیگر، آجری بوده است. این بخش دارای گنبدی مذهب به بیست هزار مثقال طلا بوده است. این مسجد دارای مناری کوتاه بوده که در زمان منصور بن طلحة بن طاهر، برادرزاده عبدالله بن طاهر (حاکم نیشابور) منار قوی‌تر و بلندتری جایگزین آن شده است. عمرولیث صفاری، در زمان حکومت خود منار را برانداخت و منار دیگری جایگزین آن کرد و نام و لقب خود بر آن نگاشت. سپس خمارتگین، بر جای مناره‌های مزبور، مناری ساخت که نظیر نداشت. این منار چنان بلند بود که با قوه باد تکان می‌خورد، بدون آن که آجری از آن بیفتد. این مسجد همچنین دارای منبری بسیار بلند و باشکوه بود.^{۴۸} مسجد مذکور نقش عمده‌ای در گسترش علوم اسلامی ایفا کرده

و به عنوان کانونی برجسته در شرق اسلامی تا قرن پنجم محسوب شده است، به طوری که مؤلف *تاریخ نیشابور* نام بسیاری از افراد میرز را که در این مسجد تحصیل کرده و یا تدریس نموده و یا در آن مجلس وعظ و خطابه داشته‌اند ذکر کرده است، از جمله:

ابوالحسن الاسماعیلی السراج، ابو حامد الکراییسی القاضی (متوفی ۴۷۴ ه ق)، ابوبکر بن خلف شیرازی (متوفی ۴۸۷ ه ق)، ابومحمد الحیری البزاز (متوفی ۴۷۳ ه ق)، اسماعیل بن احمد الکرمانی، ابوابراهیم سراجی (متوفی ۴۸۵ ه ق)، شعیب بن محمد بن جعفر حنیفی واعظ، ابومحمد المطوعی، عبدالله بن ابی سهل قاری مؤذن، عبدالرحمن بن حمدان بن محمد بن حمدان نصروی (متوفی ۴۳۳ ه ق)، عبدالرحمن بن جنید ابونصر حاکم حنیفی، عمر بن محمد بن احمد بن جعفر ابوعبدالرحمن بحیری (متوفی ۴۵۶ ه ق) و نیز خانمی به نام نمار دختر ابی حسین احمد بن عبدالرحمن کیال.^{۴۹}

جامع نیشابور کتابخانه ارزشمندی داشته است. *یاقوت حموی* در این باره آورده است: در جامع قدیم نیشابور کتابخانه‌ای موقوفه مخصوص مسلمانان وجود داشت که در قرن پنجم فراهم آمده بود. وی کتاب‌های کتابخانه این مسجد را نفیس و نادر توصیف نموده است. گزارش *یاقوت* پیش از ورود مغولان به این شهر و ویرانی آن به دست این قوم مهاجم بوده است.^{۵۰}

همچنین مؤلف *معجم‌الادباء* در شرح حال محمد بن اسحاق بن علی بن داود زوزنی (متوفی ۴۶۳ ه ق) به نقل از عبدالغافر بن اسماعیل بن

49 . ر. ک: *تاریخ نیشابور*.

50 . ر. ک: *معجم‌الادباء*، ج ۱۸، ص ۲۰.

عبدالغافر فارسی (متوفی ۵۲۹ ه ق) که کارش استنساخ کتاب بوده و مطالب نسخه‌ای را که از روی کتاب *غریب الحدیث خطابی* نوشته بود، برای جدش عبدالغافر فارسی و الحاکم قرائت کرده تا آنان بشنوند و به تصحیح و تدقیق آن پردازند، چنین نوشته است: «سوگند می‌خورم به خدا که از کتاب *غریب الحدیث* نسخه‌ای روشن‌تر و جالب‌تر از نسخه عبدالغافر باقی نمانده است. این نسخه هم‌اکنون در اختیار گنجینه کتب موجود در مسجد جامع قدیمی شهر قرار گرفته تا وقف بر مسلمین باشد و کسانی که بخواهند به درستی ادعای من پی ببرند باید به تحقیق و بررسی در مورد آن پردازند.^{۵۱} با توجه به گزارش یاقوت، عظمت و غنای فرهنگی جامع عتیق نیشابور در آن زمان بر ما آشکار می‌شود.

۲ . مسجد جامع عقیل

از دیگر مساجد نیشابور که در قرون اولیه اسلامی علاوه بر اینکه مرکز مهم عبادی این شهر بود، از جمله نهادهای آموزشی هم به حساب می‌آمد، مسجد جامع معروف به عقیل بود که بعدها جایگاهی به نام مدرس و مدرسه به آن افزوده شد و شخصی به نام مسعود بن ناصر شجری (متوفی ۴۷۷ ه ق) بنیان این مرکز علمی را گذاشت و کتابخانه‌ای نیز در آنجا بنیاد نهاد. تعداد دانش‌آموختگان و مدرسان این مسجد کم نبوده است و مسلماً از مناطق مختلف جهان اسلام هم در آن آمد و شد نموده و به فراگیری، املاء و استماع مسایل، احکام و اخبار روی می‌آورده‌اند. در *المنتخب من سیاق تاریخ نیشابور* نام برخی افرادی که در این

مسجد تعلیم دیده و یا تعلیم داده‌اند آمده است؛ از جمله محمد بن احمد بن محمد بن جعفر الفامی شادیاخی (از مشایخ علمای نیشابور)، ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران معروف به امام ابواسحاق اسفراینی، اسماعیل بن عبدالغافر بن محمد فارس معروف به ابوعبدالله فارسی، حسین بن محمد بن محمود مشهور به ابوسعید بن سوره، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد معروف به ابومنصور بغدادی (از علمای مبرز در علوم مختلف مانند فقه، اصول، ادبیات و حساب) و همچنین مصنف کتاب تاریخ نیشابور یعنی الشیخ امام الحافظ مجدالدین ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (متوفی ۵۲۹ ه ق).^{۵۲}

در منابع متعددی از کتابخانه عظیم این مسجد نام برده شده است. بانی کتابخانه مسجد عقیل مسعود بن ناصر بن ابی‌زید شجری (سجری) مکنی به ابوسعید، محدث و جهانگرد شهیر اهل سیستان بوده است. این مرد مدتی در بغداد ساکن بوده و نزد شیوخ حدیث تلمذ کرده و نیز برای اخذ حدیث به واسط، هرات، نیشابور، سیستان و برخی نقاط دیگر مسافرت نموده است.^{۵۳} *ابن جوزی در المنتظم* درباره وقف کتابخانه این شخص به مسجد عقیل نیشابور آورده است:

[مسعود بن ناصر] کتاب‌های زیادی و نسخه‌های نفیسی را گردآوری کرده، وی خوشنویس و در نقل مطالب امین بود، حافظ حدیث و کاتبی مورد اعتماد و کثیرالضبط بود. نظام الملك وی را برای مدتی در ناحیه بیهق نگه داشت و سپس برای استفاده علمی از وی، او را به طوس برده و بعد در آخر عمرش به نیشابور نقل مکان کرد و در

⁵² . ر. ک: تاریخ نیشابور، برخی صفحات.

⁵³ . تاریخ کتابخانه‌های مساجد ایران، ص ۷۱.

آنجا سکونت گزید. وی کتاب‌هایش را در آنجا وقف مسجد عقیل نمود.^{۵۴}

متأسفانه کتابخانه عظیم این مسجد در فتنه نیشابور نابود شد و به تاراج رفت. در این باره آمده است: پس از آن همه کشتار و خرابی ناشی از حمله غزان، بین علویان و شافعیه چنان فتنه عظیمی بروز کرد که بسیاری از شافعیه کشته شدند، خانه امام‌الحرمین و بازارها و مساجد بسیار طعمه حریق گردید و دروس شافعی در نیشابور تعطیل شد. پس از آن «مؤید آی به» در ربیع‌الآخر ۵۵۶ ه ق به نیشابور تاخت و جمعی از اهل فساد و کسانی را که مرتکب غارت و تخریب شده بودند بکشت. در این وقایع نیشابور بکلی ویران گردید و مسجد عقیل که مجمع اهل علم بود با کتابخانه معظم آن و هشت مدرسه از حنفیه و هفده مدرسه از شافعیه بکلی خراب شده، پنج کتابخانه به تاراج رفت و کتاب‌های آن به ناچیزترین بها به فروش رسید.^{۵۵}

۲ . مسجد جامع منیعی

از دیگر پایگاه‌های علمی مطرح در خراسان و نیشابور مسجد جامع منیعی بوده است. در این نهاد عبادی مجالس درس و بحث و حلقه‌های علمی که در آن استاد و شاگرد به تدریس و تحقیق و تعلیم و تعلم مشغول بوده‌اند رواج و رونق داشته است. این مسجد را که در مقابل جامع عتیق، جامع جدید هم نامیده‌اند، بعید نیست که جایگاه آن همین مسجد جامع فعلی نیشابور باشد که بعدها در سال ۸۹۹ ه ق توسط پهلوان علی بن بایزید

⁵⁴ . المنتظم، ج ۹، ص ۱۳ .

⁵⁵ . مدارس نظامیه، ص ۸۴ .

معاصر سلطان حسین بایقرا مجدداً ساخته شده است.^{۵۶} به هر حال، در قرن پنجم و ششم نیز این جامع به عنوان يك كانون برجسته و فعال علمی و آموزشی به حساب آمده است. استاد جلال‌الدین همایی، جامع منیعی را از بناهای ابوعلی حسان بن سعد نیشابوری متوفی ۴۶۳ ه ق می‌داند.^{۵۷}

برخی عالمان و متعلمان جامع منیعی عبارتند از: محمد بن عبدالجبار بن علی معروف به امام ابوالقاسم الاسکاف اسفراینی، محمد بن اسماعیل بن احمد حسنویه معروف به ابوعبدالله مقرئ (متوفی ۴۸۶ ه ق)، محمد بن عبدالرحمن ابوالفضل العمید الخشاب (متوفی ۴۹۳ ه ق)، محمد بن عبدالله بن طاهر الروقی طوسی، احمد بن محمد بن اسماعیل مشهور به ابوالحسن شجاعی (متوفی ۴۹۰ ه ق)، اسماعیل بن عمر بن محمد معروف به ابوسعید بحیری، اسحاق بن ابوسعید بن حمود صوفی مشهور به ابوالقاسم مقرئ، اسعد بن حمود بن علی عتبی کاتب، حسان بن سعید مشهور به ابوعلی منیعی، عبدالله بن احمد شافعی سمسار معروف به ابومحمد مصاحفی جامعی و تعداد قابل توجه دیگری که نام و نسب و موقعیت علمی آنها در برخی منابع مانند *تاریخ نیشابور* ذکر شده است و در حقیقت، مبین جایگاه والای نهاد علمی و عبادی منیعی در آن روزگار خراسان و نیشابور است.^{۵۸}

56 . ر. ک: *دایره‌المعارف بناها مساجد تاریخی ایران*، ص ۱۲۲ .

57 . *تاریخ علوم اسلامی*، ص ۳۶ .

58 . ر. ک: *تاریخ نیشابور*، برخی صفحات .

منابع و مأخذ

- ۱ . ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۷۹ م.
- ۲ . ابن جبیر، محمد بن احمد، ترجمه، پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش .
- ۳ . ابن جوزی، *المنتظم فی التاریخ الملوک و الامم*، حیدرآباد، دایره المعارف العثمانیه، طبعه الاولى، ۱۳۵۷ ه ق .
- ۴ . ابونعیم اصفهانی، *ذکر اخبار اصفهان*، تحقیق: سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، طبع اول، ۱۴۱۰ ق .
- ۵ . ابونعیم اصفهانی، *ذکر اخبار اصفهان*، ترجمه، دکتر سید نورالله کسای، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش .
- ۶ . بیان اصفهانی، *خُلد برین (تاریخ گویندگان اسلام)*، اصفهان، چاپخانه عالی، بی تا.
- ۷ . ترکمان، اسکندر بیک منشی، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح، دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش .
- ۸ . *جلوه های هنر در اصفهان*، به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران، جانزاده، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش .
- ۹ . حموی، یاقوت، *معجم الادباء*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، الطبعه الاولى، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م .
- ۱۰ . خاتون آبادی، عبدالحسین، *وقایع السنین و الامم*، تصحیح، محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲ ش .
- ۱۱ . خوانساری، محمد باقر، *روضات الجنات*، ترجمه، محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیة، ۱۳۵۶ ش .
- ۱۲ . داغ، محمد، *تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام (قرن ۱ و ۶)*، ترجمه، دکتر علی اصغر کوشاقر، تبریز، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش .

- ۱۳ . *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد نهم، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش .
- ۱۴ . *دایره‌المعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی (مساجد تاریخی ایران)*، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش .
- ۱۵ . درانی، کمال، *تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام*، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش .
- ۱۶ . دوانی، علی، *علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین*، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش .
- ۱۷ . رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، *آثار ملی اصفهان*، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ ش .
- ۱۸ . ریاحی، محمدحسین، *فضایل امام علی علیه‌السلام*، قم، نشر خرم، چاپ اول، ۱۳۷۹ .
- ۱۹ . ریاحی، محمد حسین، مقاله «نهدمین سال آتش‌سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه نفیس آن» در نشریه *کیهان فرهنگی*، شماره ۱۲۳، سال دوازدهم، مهر و آبان ۱۳۷۴ .
- ۲۰ . ریاحی، محمدحسین، *مجموعه آریاب معرفت*، اصفهان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، تیر ۱۳۷۵ .
- ۲۱ . سلطان‌زاده، حسین، *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا دارالفنون*، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۴ ش .
- ۲۲ . شلیبی، احمد، *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه، محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش .
- ۲۳ . فارسی، ابوالحسن عبدالغافر، *تاریخ نیشابور (المنتخب فی السیاق)*، منتخب، حافظ ابواسحاق صریغینی، قم، جماعة المدرسین فی حوزه العلمیه، ۱۴۰۳ ق .
- ۲۴ . غنیمه، عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه:

- دکتر نورالله کسایپی، یزدان، ۱۳۶۳ ش .
- ۲۵ . کسایپی، نورالله، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش .
- ۲۶ . کریمیان سردشتی، نادر، *تاریخ کتابخانه‌های مساجد ایران*، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش .
- ۲۷ . گدار، آندره، *آثار ایران*، جلد چهارم، ترجمه، ابوالحسن سروقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش .
- ۲۸ . مافروخی، مفضل بن سعد، *محاسن اصفهان*، ترجمه، حسین بن محمد ابی‌الرضا آوی، به اهتمام عباس اقبال، ضمیمه مجله یادگار، ۱۳۲۸ ش .
- ۲۹ . مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم، صدرا، چاپ نهم، ۱۳۵۹ .
- ۳۰ . مهدوی، مصلح‌الدین، *تذکره‌القبور (بزرگان و دانشمندان اصفهان)*، اصفهان، ثقفی، چاپ دوم، ۱۳۴۸ ش .
- ۳۱ . مهدوی، مصلح‌الدین، *زندگینامه علامه مجلسی*، انتشارات حسینیّه عمادزاده اصفهان.
- ۳۲ . مهدوی، مصلح‌الدین، *تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر*، قم، نشرالهدایه، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش .
- ۳۳ . هدایت، رضاقلی‌خان، *روضه‌الصفای ناصری*، طبع تهران.
- ۳۴ . همایی، جلال‌الدین، *تاریخ علوم اسلامی*، تهران، نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش .
- ۳۵ . هنرفر، لطف‌الله، *آشنایی با شهر تاریخی اصفهان*، اصفهان، انتشارات گلها، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش .
- ۳۶ . هنرفر، لطف‌الله، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، انتشارات ثقفی اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۵۰ ش .
- ۳۷ . یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *البلدان*، ترجمه، محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۳ ش .
- ۳۸ . مکی السباعی، محمد، *نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی*، ترجمه، علی شکوئی، چاپ اول، تهران، سازمان اسناد فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳ ش.